

Mahnaaz's Website

غلامرضا تختی

Literature, Cultural, Political
Sociology, Historical, Poetry



غلامرضا تختی در روز پنجم شهریور ماه ۱۳۰۹ در خانواده‌ای متوسط و مذهبی در محله خانی آباد تهران به دنیا آمد. "رجب خان" - پدر تختی - غیر از وی دو پسر و دو دختر دیگر نیز داشت که همه آنها از غلامرضا بزرگتر بودند. "حاج قلی"، پدر بزرگ غلامرضا، فروشنده خوار و بار و بنشن بود. از قول رجب خان، تعریف می‌کنند که حاج قلی در دکانش بر روی تخت بلندی می‌نشست و به همین سبب در میان اهالی خانی آباد به حاج قلی تختی شهرت یافته بود. همین نام بعدها به خانواده‌های رجب خان منتقل شد و به "نام خانوادگی" تبدیل شد. رجب خان با پولی که از ماترك پدرش به دست آورده بود، در محل سابق انبار راه آهن زمینی خریده و يك یخچال طبیعی احداث کرده بود و از همین راه، مخارج زندگی خانواده پرجمعیت خود را تأمین می‌کرد.

نخستین واقعه‌ای که در کودکی غلامرضا روی داد و ضربه‌ای بزرگ و فراموش نشدنی بر روح او وارد کرد، آن بود که مرحوم پدرش برای تأمین معاش خانواده

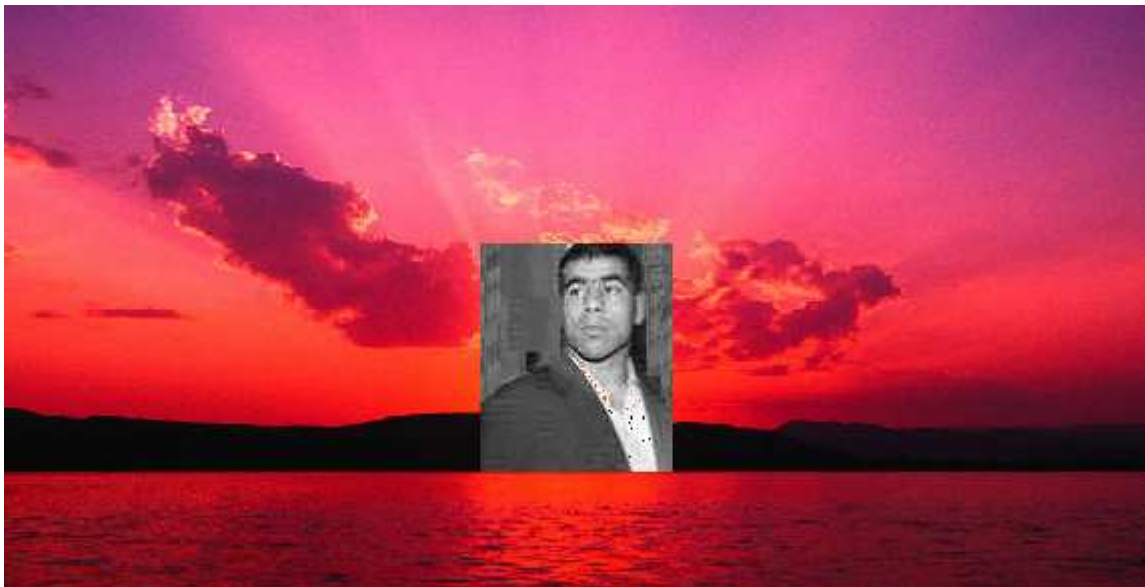
ناچار شد خانه مسکونی خود را گرو بگذارد. تختی سالها بعد در آخرین مصاحبه خود با یادآوری این ماجرای تلخ می‌گوید: "يك روز طلبکاران به خانه ما آمدند و اثاثیه خانه و ساکنینش را به کوچه ریختند، ما مجبور شدیم که دو شب را توی کوچه بخوابیم. شب سوم اثاثیه را بردیم به خانه همسایه‌ها و دو اتاق اجاره کردیم. چندی بعد روزگار، عرصه را بیشتر بر پدرم تنگ کرد تا این که مجبور شد یخچال طبیعی‌اش را نیز بفروشد. این حوادث تأثیر فراوانی در روحیه پدرم گذاشت و باعث اختلال روحی او در سالهای آخر عمر شد."



در چنان شرایطی، غلامرضا تنها ۹ سال به تحصیل پرداخت. وی خود می‌گوید: "مدت ۹ سال در دبستان و دبیرستان منوچهری که در همان خانی آباد قرار داشت، درس خواندم، ولی تنها خاطره‌ای که از دوران تحصیل به یاد دارم، این است که هیچوقت شاگرد اول نشدم، اما زندگی در میان مردم و برای مردم درسهایی به من آموخت که فکر می‌کنم هرگز نمی‌توانستم در معتبرترین دانشگاهها کسب کنم. زندگی همچنین به من آموخت که مردم را دوست بدارم و تا آنجا که در حد توانایی من است، به آنان کمک کنم. حال، این کمک از چه طریقی و از چه راهی باشد، مهم نیست. هر کس به قدر توانایش ..."

غلامرضا، ورزش را از نوجوانی آغاز کرد. ورزش ابتدا برای او نوعی تفنن و سرگرمی بود. در همان اوان، خیال قهرمان شدن، مدتی او را به وسوسه انداخت اما از همان نوجوانی که تازه به فکر باشگاه رفتن افتاده بود، اعتقاد داشت که ورزش برای تندرستی و سلامت جان و تن هر دو لازم است.

شادروان تختی در مصاحبه‌ای با اشاره به فقر و مشقت زمان نوجوانی‌اش می‌گوید: "با آن که علاقه‌ی فراوانی به ورزش داشتم، مجبور بودم که در جستجوی کاری برآیم. زندگی، نان و آب، لازم داشت. برای مدتی به خوزستان رفتم و در ازای روزی هفت یا هشت تومان، کار کردم. دنیا در حال جنگ (جنگ جهانی دوم) بود، زندگی به سختی می‌گذشت."



آشنایی حقیقی تختی با ورزش و کشتی در باشگاه "پولاد" آغاز شد. وی که پیش از این گودها و زورخانه‌های فراوانی دیده بود و شیفته تواضع و افتادگی پهلوانانی کشتی و ورزشی باستانی شده بود، برای نخستین بار در سال هزار و سیصد و سی و نه به باشگاه پولاد (واقع در خیابان شاهپور سابق) رفت و به دلیل علاقه و استعداد وافر که نسبت به کشتی نشان داد مورد توجه مرحوم "حسین رضی زاده" مدیر آن باشگاه قرار گرفت.

تختی، خود می گوید: "رضی خان آدم خوبی بود، اگر کسی را نشان می کرد و می دید که استعداد کشتی دارد، دست از سرش بر نمی داشت. در گرمای تابستان لخت می شدیم و هر روز از ساعت دو بعد از ظهر تا چندین ساعت کشتی می گرفتیم، از دوش آب گرم و حمام خبری نبود. کشتی گیران برای وزن کم کردن، به خزینه می رفتند تشکهای کشتی را با پنبه پر می کردند، اما خاک و خاشاک آن، بیش از پنبه بود."



تختی که پس از بازگشت از خوزستان (مسجد سلیمان) روانه خدمت سربازی شده بود، در سربازخانه با استفاده از فرصتها و توجهات فراهم شده، به ویژه تشویق و حمایت دبیر وقت فدراسیون کشتی که در دژبان ارتش فعالیت داشت، تمرینات کشتی خود را بار دیگر آغاز کرد. تختی خود در این باره می گوید: "وقتی در سال ۱۳۲۸ در مسابقه بزرگ ورزشی (کاپ فرانسه) شرکت کردم، در همان اولین دوره ضربه فنی شدم. اما تمرینهای جدی و سختی که در پیش گرفتم، مرا یاری کرد تا حقیقت مبارزه را درک کنم؛ اگر چه شور پیروزی در سر داشتم، اما کار و کوشش را سرآغاز پیروزی می دانستم."

به این ترتیب تختی با تمرین و پشتکار مثال زدنی رفته رفته خود را از میان بازندهها بیرون کشید و سرانجام در سال هزار و سیصد و سی در وزن هفتاد و نه کیلوگرم به

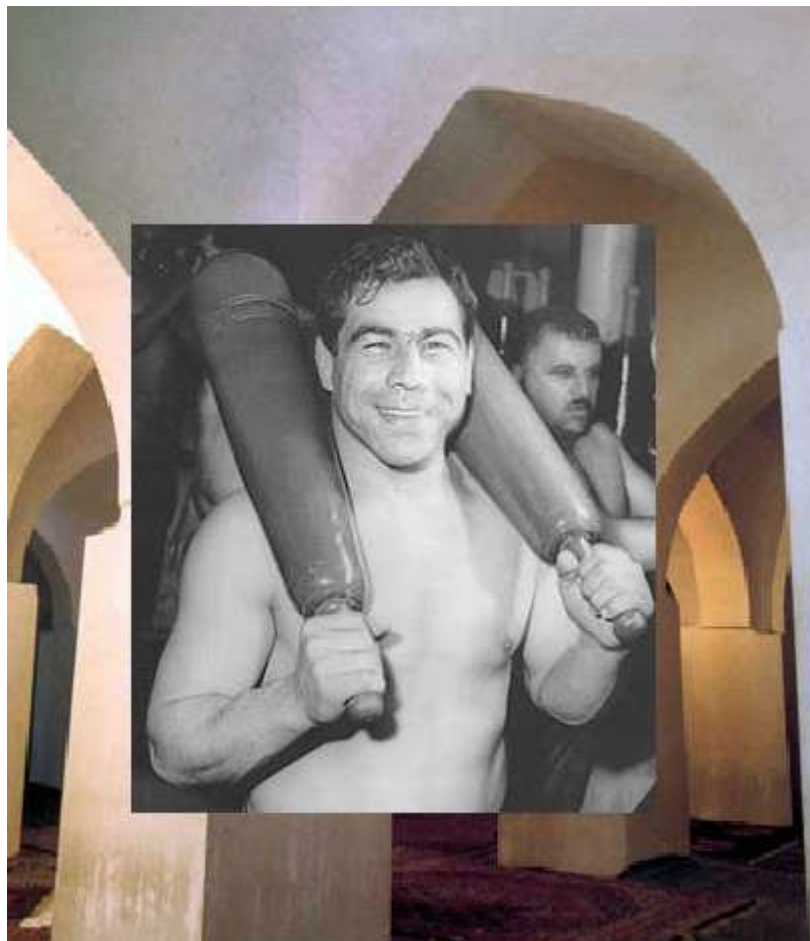
عضویت تیم ملی درآمد. وی در نخستین دوره مسابقه‌های کشتی آزاد قهرمانی جهان (هلسینکی، ۱۹۵۱) با وجود آن که هنوز ۲۱ سال داشت، نایب قهرمان جهان شد. درخشش خیره‌کننده‌ی تختی در رقابت‌های کشتی هلسینکی که در نخستین حضور او در مسابقه‌های قهرمانی جهان و در فاصله کمتر از دو سال از ورودش به میادین ورزشی داخلی اتفاق افتاد، بیش از هر چیز نمایانگر ایمان و تلاش و اراده کم‌نظیر تختی و همچنین استعداد و مهارت فوق‌العاده او در زمینه کشتی بود.



گفتنی است در اولین دوره مسابقات قهرمانی کشتی آزاد جهان که از لحاظ تاریخی میدان معتبر و تعیین‌کننده‌ای برای کشتی ایران و جهان بود، تیم ملی کشتی آزاد ایران با ترکیب کامل و در هر هشت وزن آن زمان حضور پیدا کرد و با کسب دو نشان نقره (محمود ملاقاسمی و غلامرضا تختی) و دو نشان برنز (عبدالله مجتبی‌وی و مهدی یعقوبی) در نتیجه‌ای درخشان و غیر قابل‌تصور پس از تیم‌های ملی ترکیه و سوئد عنوان سوم جهان را به دست آورد.

مسابقات سال ۱۹۵۱ هلسینکی (فنلاند) برای تختی آغاز راهی بود که طی ۱۵ سال آینده با کسب دهها پیروزی و فتح سکوه‌های متعدد قهرمانی در بزرگترین میادین بین‌المللی کشتی ادامه یافت.

شادروان غلامرضا تختی در سال ۱۳۳۱ (۱۹۵۲) در نخستین حضور خود در رقابتهای المپیک با کسب شش پیروزی و قبول يك شکست در برابر "دیوید جیما کوریدزه" از شوروی صاحب نشان نقره شد. وی در این مسابقه‌ها توانست حیدر ظفر ترك را که سال پیش با غلبه بر تختی قهرمان جهان شده بود را شکست دهد.

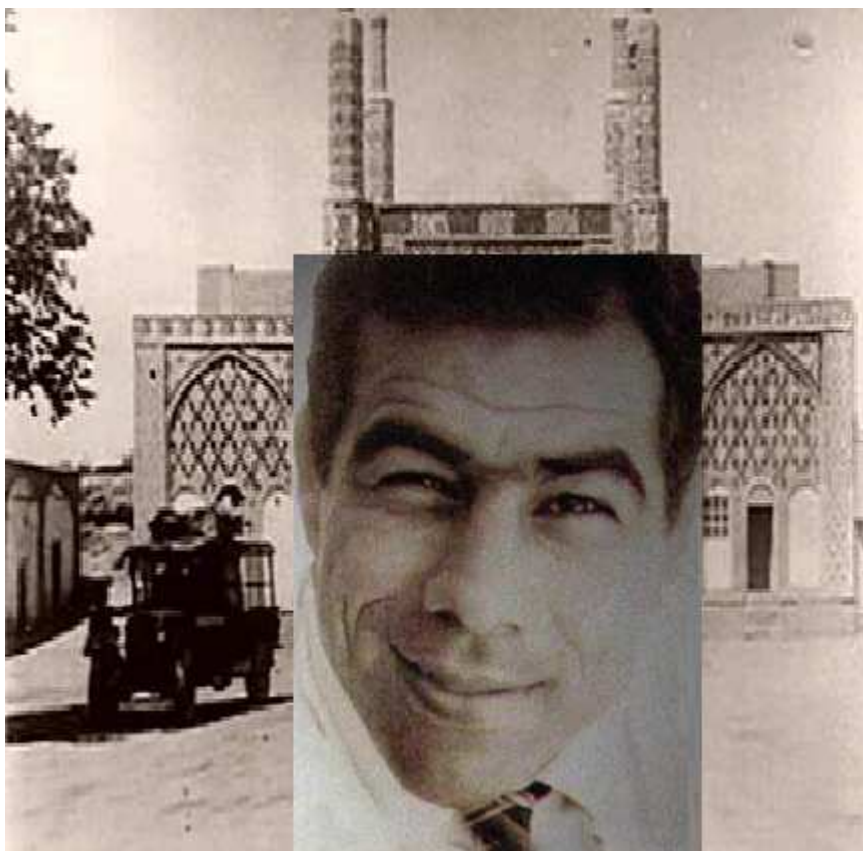


تختی در دومین دوره مسابقات جهانی که در خرداد ماه هزار و سیصد و سی و سه (۱۹۵۴) که در توکیو برگزار شد، در وزن هفتم (هفتاد و هشت کیلو) به رقابت پرداخت که با وجود پیروزیهای درخشان و شایستگی فراوانی که از خود بروز داد با قبول يك شکست غیر منتظره در برابر "وایکینگ پالم" سوئدی از راهیابی به فینال بازماند و در نهایت عنوان چهارمی این وزن را به دست آورد.

تختی شش ماه بعد در يك دیدار دوستانه در سوئد، «پالم» را با ضربه فنی شکست داد و باخت غافلگیرانه توکیو را به خوبی جبران کرد.

شادروان تختی همچنین در سال ۱۹۵۵ در جشنواره بین‌المللی ورزشو موفق به کسب نشان نقره شد. اما سومین دوره مسابقه‌های قهرمانی جهان (استانبول، ۱۹۵۷) تجربه تلخی برای مرحوم تختی بود. وی که در این دوره از رقابتها، برای اولین و آخرین بار در وزن فوق سنگین آن زمان (+۸۷ کیلوگرم) کشتی می‌گرفت، به دلیل وزن بسیار کمتر نسبت به رقیبان با دو باخت حذف شد. پهلوان ایران با وجود حذف شدن در استانبول آبرومندانه کشتی گرفت و نتایجی که به دست آورد با توجه به آن که با وزن ۹۲ کیلوگرم به مصاف کشتی گیران فوق سنگین رفته بود، در مجموع غیر قابل قبول نبود.

به عنوان نمونه «دیتریش» آلمان و «ایوان ویخریستیوک» روس، حریفان اصلی تختی در این رقابتها صد و ده کیلوگرم وزن داشتند و علاوه بر آن در وزن خود نیز از تجربه خوبی برخوردار بودند.



در بازیهای المپیک ملبورن (استرالیا) که در آذرماه ۱۳۳۵ (۱۹۵۶) برگزار شد تختی يك بار دیگر در وزن هفتم (۸۷ کیلوگرم) به مصاف رقبایی از شوروی، آمریکا،

ژاپن آفریقای جنوبی، کانادا و استرالیا رفت و با شکست تمامی حریفان اولین نشان طلای خود را به گردن آویخت. این برای نخستین بار بود که دو قهرمان از آمریکا و شوروی در يك سکوی معتبر جهانی پایین تر از حریف ایرانی قرار می‌گرفتند.

جهان پهلوان تختی در اسفند ماه همان سال با غلبه به مرحوم حسین نوری به مقام پهلوانی ایران دست یافت و صاحب بازوبند شد و در سالهای سی و شش و سی و هفت نیز این عنوان را تکرار کرد. جهان پهلوان تختی در سال ۱۹۵۸ در بازیهای آسیایی توکیو و مسابقات قهرمانی جهان در صوفیه به ترتیب نشانهای طلا و نقره این رقابتها را به گردن آویخت و در مهر ماه سال سی و هشت (هزار و نهصد و پنجاه و نه) در چهارمین دوره مسابقات کشتی آزاد قهرمانی جهان که در تهران برگزار شد سومین عنوان قهرمانی جهان خود را کسب کرد. "بوریس کولایف" از شوروی تنها کشتی‌گیری بود که با امتیاز به تختی باخت و در ۵ کشتی دیگر رقبای مجارستانی، لهستانی، فرانسوی، بلغار و ترک تختی با ضربه فنی مغلوب پهلوان ایران شدند.



تیم ملی کشتی آزاد ایران که در رقابتهای تهران با اکتفا به دو مدال طلای غلامرضا تختی و امامعلی حبیبی با وجود برخوردی از امتیاز میزبانی در حفظ عنوان سومی سالهای قبل نیز ناموفق بود در هفدمین دوره ی بازیهای المپیک (ایتالیا، هزار و نهصد و شصت) تا مکان پنجم رده بندی سقوط کرد. تختی کاپیتان تیم ملی و پر تجربه ترین کشتی گیر ایران که در این رقابتهای در وزن هفتم به میدان رفته بود، پس از پیروزی در پنج دیدار در مسابقه نهایی با قبول شکست در برابر " عصمت آتلی" از ترکیه به گردن آویز نقره دست یافت.

مسابقه های قهرمانی جهان در یوکوهامای ژاپن میدانی فراموش نشدنی برای کشتی ایران بود. تیم ملی کشتی آزاد کشورمان پس از حضور در ۸ دوره مسابقات المپیک و جام جهانی در رقابتهای جهانی ۱۹۵۹ ژاپن، پر افتخارترین حضور خود در تاریخ کشتی را رقم زد و با دریافت پنج نشان طلا، یک نشان نقره، یک نشان برنز و یک عنوان پنجمی به مقام قهرمانی کشتی آزاد جهان دست یافت.



جهان پهلوان تختی که در این مسابقات در وزن ۸۷ کیلوگرم به مصاف حریفان رفته بود با حضوری مقتدرانه آخرین مدال طلای خود را به گردن آویخت.

کشتی‌گیران آزاد ایران در ششمین دوره‌ی رقابتهای قهرمانی جهان در تولیدوی آمریکا (۱۹۶۲) نیز حضوری شایسته داشتند.

تیم ملی ایران اگرچه نتوانست مقام قهرمانی خود را در این مسابقات حفظ کند ولی کسب مقام سوم جهان نیز با توجه به کارشکنیها و ناداوریهایی که در حق تختی و سایر کشتی‌گیران ایران روا شد نتیجه قابل قبولی تلقی می‌شود. جهان پهلوان تختی در این مسابقات با حضور مقتدرانه در برابر «وان براند» آمریکایی، «مروید» روسی و «عصمت آتلی» که از قهرمانان صاحب نام وزن هفتم بودند از حیثیت کشتی ایران به خوبی دفاع کرد و در نهایت پس از تساوی با «مروید» جوان تنها به دلیل ۲۰۰ گرم اضافه وزن نسبت به حریف از دریافت نشان طلا محروم شد و به گردن آویز نقره رضایت داد.



قهرمان ارزشمند ایران در شرایطی در این دیدارها شرکت کرد که از بیماری خطرناکی رنج می‌برد با این حال عشق به ملت ایران او را به مصاف با بزرگترین قهرمانان جهان کشاند. شدت بیماری تختی به حدی بود که پس از دیدار فینال سریعاً به نیویورک منتقل و روز بعد در بیمارستان بزرگ نیویورک تحت عمل جراحی قرار گرفت. در فاصله سالهای هزار و نهصد و شصت و دو تا هزار و نهصد و شصت

و شش، جهان پهلوان تختی با وجود سن بالا همچنان عضو تیم ملی ایران بود. اما تنها در بازیهای المپیک هزار و نهصد و شصت و چهار توکیو شرکت کرد که در این دیدار با بد اقبالی از کسب چهارمین نشان المپیک خود بازماند و به عنوان چهارمی جهان اکتفا کرد. البته جانشینان تختی در مسابقات جهانی صوفیه (هزار و نهصد و شصت و سه) و منچستر (هزار و نهصد و شصت و پنج) از دریافت حتی یک امتیاز در وزن هفتم ناموفق بودند، این امر در کنار عشق وافری که ملت ایران به جهان پهلوان داشتند، موجی از درخواستهای مردمی و مطبوعاتی برای حضور مجدد تختی در رقابتهای جهانی را برانگیخته بود. پهلوان سی و شش ساله ایران با وجود عدم آمادگی کافی و گذشتن از مرز بازنشستگی شرکت در مسابقه های جهانی هزار و نهصد و شصت و شش (تیر ماه هزار و سیصد و چهل و پنج) تولیدو را پذیرفت.



تختی در مسابقات انتخابی مسابقات جهانی هزار و نهصد و شصت و شش از نظر نتایج فنی و پیروزی با ضربه فنی، بهترین چهره شناخته شده و به عنوان بهترین کشتی گیر وزن هفتم ایران راهی آمریکا شده بود با این حال کارشکنیها و برخوردهای سوئی که از سوی برخی افراد و مقامات نسبت به او روا می شد روحیه او را تضعیف کرده بود.



جهان پهلوان به هنگام عزیمت به آخرین سفر خود، در میان خیل عظیم مردمی که برای بدرقه او و همراهانش آمده بودند در گفت و گو با خبرنگار "کیهان ورزشی" گفت: "هیچ چیز نمی تواند مرا خوشحال کند، پول، مدال طلا، عشق و حتی عشق. نسبت به این مردمی که به فرودگاه آمده اند، احساس شرمندگی می کنم. راستی چقدر محبت بدکارم؟ من چرا باید کشتی بگیرم؟ چرا باید همراه تیم، مسافرت کنم، تا سبب این همه مراجعت باشم؟ اگر پاسخ به این پرسش را می دانستم من هم می توانستم

ادعا کنم چون دیگران هستم ... وقتی کسی نداند چه عاملی سبب خوشحالی اش خواهد شد، یقیناً نخواهد توانست بگوید چرا کشتی می‌گیرد و چرا همراه تیم مسافرت می‌کند.

" تختی که بی‌امید به مصاف تازه نفسی ها و جوانان جویای نام رفته بود، متأسفانه با بدترین قرعه ممکن نیز مواجه شد به طوری که پس از پیروزی پنج بر صفر در مقابل حریفی از مجارستان به مصاف «الکساندر مدوید» و «احمد آئیک» (نفرات اول و دوم این دوره از رقابتها) رفت و با قبول شکست در برابر آنها برای همیشه با صحنه کشتی خداحافظی کرد.

* دادنامه

در این بابویه، مقبره شمشیری به خاکش
سپردند. بر مزارش فغانها کردند و آن را با اشکها شستند و با پلکها روفتند...
" دنبال

کسی می‌گردد که قد و قواره اش

به پهلوانها می خوره . او می اومد به من کمک میکرد

چند وقتیکه پیداش نیست"

مادر جان! تختی را خودکشی کردند



گوشه‌ای از تشییع جنازه‌ی غلامرضا تختی که رفقای گروه جزئی و گروه یاک نژاد آنرا سازمان داده و به وسیله‌ی مبارزه‌ی توده‌ای پیرا ۳۲ سال‌های ۳۲ میل ساختند

تو در افسانه ها جاوید خواهی بود
زمان
این جاری بی رحم

هرگز قلعه بلندت را
نیاردشت

ازین پس راویان قصه پهلوانی
این بهین تاریخ های زنده هر قوم

نخالان
تو را در قصه های خود
برای نسل های بعدی گویند

تواند ریسنه های گرم خواهی زیست

تو با انبوه پاک مردمان خوب قلب شهر
خواهی ماند

م. آزر م